

کتاب دانیال - شماره سی و سه

”مهر“ خدا جو اتوار کے قانون کے فرمان پر ثبت کی گئی: دانی ایل باب 6 کا ایک نبوتی تجزیہ

Jeff Pippenger

2023-12-28

مهر خدا کہ می توان آن را دید، در فرمان قانون یکشنبه نقش می بندد.

«هیچ یک از ما هرگز مهر خدا را دریافت نخواهیم کرد، مادامی که بر شخصیت های ما حتی یک لکه یا آلودگی باقی باشد. بر عهده ما گذاشته شده است که نقایص شخصیت خود را برطرف کنیم و هیکل جان را از هر ناپاکی پاک سازیم. آنگاه باران آخر بر ما فرو خواهد ریخت، همان گونه که باران اول بر شاگردان در روز پنطیکاست فرو ریخت...»

«ای برادران، در کار عظیم آمادگی چه می کنید؟ آنان که با جهان متحد می شوند، قالب دنیوی را می پذیرند و برای نشان وحش آماده می گردند. اما آنان که به خویشتن اعتماد ندارند، که در حضور خدا فروتن می شوند و جان های خود را با اطاعت از حقیقت طاهر می سازند، اینان قالب آسمانی را دریافت می کنند و برای مهر خدا بر پیشانی های خود آماده می شوند. هنگامی که فرمان صادر شود و آن نشان نهاده گردد، شخصیت آنان تا ابد پاک و بی لکه باقی خواهد ماند.» Testimonies, volume 5, 214, 216

دانیال آن مهری را که می توان دید دریافت می کند، هنگامی که به چاه شیران افکنده می شود؛ از این رو این فصل نمایانگر فرمان قانون یکشنبه است.

پس این مردان نزد پادشاه گرد آمدند و به پادشاه گفتند: «ای پادشاه، بدان که قانون مادیان و پارسیان این است که هیچ فرمان یا حکمی را که پادشاه برقرار سازد، نتوان تغییر داد.» آنگاه پادشاه فرمان داد، و دانیال را آوردند و او را در لانه شیران افکندند. و پادشاه خطاب به دانیال گفت: «خدای تو که او را پیوسته عبادت می کنی، او تو را خواهد رها کند.» و سنگی آوردند و بر دهانه لانه نهادند؛ و پادشاه آن را با مهر خویش و با مهر سرورانش مهر کرد، تا مقصود درباره دانیال تغییر نیابد. دانیال ۱۵:۶-۱۷

داستان در آنجا پایان نمی یابد، اما در همان جا که آغاز می شود به پایان می رسد. سیر روایت در باب ششم دانیال، اتحادیه ای را به تصویر می کشد که اساساً به رهبری یکصد و بیست امیر و دو رئیس فروتر بود، اما مشاوران، سرداران و والیان را نیز در بر می گرفت. این ائتلاف پنج گانه برای آن شکل گرفت که پادشاه را بفریبند تا دانیال را مورد آزار قرار دهد. داستان با دآوری ایشان پایان می پذیرد، زیرا آنان مصور دآوری خاصی هستند که در هنگام قانون یکشنبه رخ می دهد؛ دآوری ای که متوجه کسانی نیست که نماینده دانیال یا پادشاه هستند، بلکه متوجه کسانی است که پادشاه را فریب دادند.

و پادشاه فرمان داد، و آن مردانی را که بر دانیال اتهام زده بودند آوردند؛ و آنان را، ایشان و فرزندان شان و زنان شان را، به درون کنده شیران افکندند؛ و شیران بر ایشان چیره شدند و پیش از آنکه به قعر کنده برسند، همه استخوان هایشان را خرد کردند. دانیال ۶:۲۴.

در سناریوی نبوی، همواره این کلیساست که دولت را فریب می دهد، و باب ششم در حال شناسایی آن فریبی است که بر ضد پادشاه به عمل آمد. پس از آنکه اخاب تجلی عظیم قدرت خدا را بر کوه کرمل مشاهده کرد، ایلیا او را در میان باران نزد ایزابل بازگردانید. اخاب دلیلی نداشت که گمان کند

ایزابیل از شهادت نیرومند قدرت خدا متأثر نخواهد شد، اما اخاب در مورد نفرت ریشه‌دار ایزابل نسبت به ایلیا فریب خورده بود. سرگذشت ایلیا در رویارویی با اخاب و ایزابل، بار دیگر در سرگذشت یحیی تعمیددهنده (که همان ایلیا بود)، و هیرودیس و هیرودیا، تکرار می‌شود.

چون هیرودیس در روز تولد خود، در حال مستی، به سالومه (دختر هیرودیا) وعده داد که نیمی از پادشاهی خویش را به او ببخشد، انتظار نداشت که هیرودیا سر یحیی را مطالبه کند. پادشاهان، خواه آخاب باشند، یا هیرودیس، یا داریوش، به وسیله زن ناپاک فریب داده می‌شوند: از طریق رقص انبیای دروغین ایزابل، یا رقص دختر هیرودیا، یا ائتلاف پنج‌گانه در داستان دانیال. پیلطس نیز به وسیله کهناتی فاسد فریب داده شد؛ کهناتی که نماینده «کلیسای» یهود بود، و کلیسا نماد زن است.

فریب، یکی از ویژگی‌های صحنه نبوی است، و اسلام وای سوم همان دروغی است که در ایام آخر، از طریق ترس، برای فریفتن سازمان ملل متحد به کار گرفته می‌شود. هم «فریب» و هم «دروغی» که آن فریب را پدید می‌آورد، در کلام نبوی خدا شناسایی شده‌اند. نقش اسلام، و نیز پاپیت که سر هشتم هفت سر می‌گردد، پیشاپیش به عنوان بخشی از پیامی که در ایام آخر گشوده می‌شود—یعنی مکاشفه عیسی مسیح—شناسایی شده است. بنابراین، آشکار ساختن فریب داریوش در باب ششم دانیال، بخشی از پیامی است که پیام فریاد نیمه‌شب را تشکیل می‌دهد. فریب، همان عنصری است که زخم مهلک را به طور کامل شفا می‌بخشد و بدین‌سان پاپیت را به عنوان هشتمین و آخرین پادشاهی دوباره زنده می‌سازد. در فریب داریوش، آن دو رئیس‌جمهور مرتد و آن یکصد و بیست امیر، نمایندگان هم‌پیمانی فریب هستند که در تقابل با دانیال قرار داده شده‌اند.

صد و بیست، نماد شاگردان خدا در پنتیکاست است.

و در آن ایام، پطرس در میان شاگردان برخاست و گفت: (و شمار نام‌ها جملگی نزدیک به صد و بیست نفر بود.) اعمال ۱:۱۵.

پنتیکاست، هنگامی را نمونه‌وار می‌نمایاند که در آن قانون یکشنبه برقرار می‌شود و مهر نقش می‌بندد؛ و آن صد و بیست امیری که داریوش را فریب دادند، نمادی از کهنات کاذب در زمان قانون یکشنبه‌اند. دو دسته از کسانی که پادشاه را می‌فریبند، به وسیله آن دو رئیس مرتد و آن صد و بیست امیر مرتد ارائه شده‌اند. آن دو رئیس در شمار دانیال قرار داده می‌شوند، که نبی است. آن دو طبقه که داریوش را می‌فریبند، نمایانگر گروهی از انبیای کاذب و گروهی از کاهنان فاسدند.

وای بر شبانانی که گوسفندان مرتع مرا هلاک می‌کنند و پراکنده می‌سازند! خداوند می‌فرماید. پس خداوند، خدای اسرائیل، درباره شبانانی که قوم مرا می‌چرانند، چنین می‌گوید: شما گله مرا پراکنده ساخته‌اید و ایشان را رانده‌اید و از ایشان تفقد نکرده‌اید؛ اینک من بدی اعمال شما را بر شما جزا خواهم داد، خداوند می‌فرماید. و من باقی‌مانده گله خویش را از همه سرزمین‌هایی که ایشان را بدان‌جا رانده‌ام، جمع خواهم کرد و ایشان را بار دیگر به آغل‌هایشان باز خواهم آورد؛ و بارور خواهند شد و افزون خواهند گشت. و بر ایشان شبانانی خواهم گماشت که ایشان را بچرانند؛ و دیگر نخواهند ترسید و هراسان نخواهند شد، و هیچ‌یک مفقود نخواهد گشت، خداوند می‌فرماید. اینک ایامی می‌آید، خداوند می‌فرماید، که برای داود شاخه‌ای عادل بر خواهم انگيخت، و پادشاهی سلطنت خواهد کرد و کامیاب خواهد شد، و در زمین انصاف و عدالت را به‌جا خواهد آورد. در ایام او یهودا نجات خواهد یافت، و اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد؛ و نامی که او بدان خوانده خواهد شد این است: «یهوه عدالت ما». بنابراین، اینک ایامی می‌آید، خداوند می‌فرماید، که دیگر نخواهند گفت: «به حیات خداوند که بنی‌اسرائیل را از سرزمین مصر برآورد»؛ بلکه: «به حیات خداوند که ذریت خاندان اسرائیل را از سرزمین شمال، و از همه سرزمین‌هایی که ایشان را بدان‌جا رانده بود، برآورد و هدایت کرد»؛ و ایشان در زمین خویش ساکن خواهند شد. دل

من در اندرونم به سبب انبیا شکسته است؛ همه استخوان‌هایم می‌لرزد؛ من مانند مردی مست شده‌ام، و مانند کسی که شراب بر او چیره گشته باشد، به سبب خداوند، و به سبب کلمات قدوسیت او. زیرا زمین از زناکاران پر است؛ زیرا به سبب لعنت، زمین ماتم می‌گیرد؛ چراگاه‌های دلپذیر بیابان خشک شده است، و طریقت ایشان بد است، و قوت ایشان راست نیست. زیرا هم نبی و هم کاهن ناپاک‌اند؛ آری، در خانه خود نیز شرارت ایشان را یافته‌ام، خداوند می‌فرماید. از این رو، راه ایشان برای ایشان همچون راه‌های لغزنده در تاریکی خواهد بود: در آن رانده خواهند شد و در آن خواهند افتاد؛ زیرا من در سال تفقد ایشان، بلا را بر ایشان خواهم آورد، خداوند می‌فرماید. ارمیا 1: 23-12.

سال تفقد ارمیا همان داورى همدستانى است که داریوش را فریفتند. داورى انبیای کاذب و کاهنان، از موضوعات کلام نبوی است. و همان‌گونه که کهناتی فاسد، مقامات رومی را بر ضد مسیح به پیش راند و فریب داد، توطئه باب ششم دانیال نیز دقیقاً ناظر به همان حقیقت نبوی است.

خطوط نبوتی باب پنجم دانیال، داورى اجرایی را که بر شاخ جمهوری‌خواه و بر ملت ایالات متحده در هنگام قانون یکشنبه اجرا می‌شود، بیان می‌دارد. آن داورى به وسیله اسلام ویل سوم به انجام می‌رسد، که از طریق دیوار جنوبی محافظت نشده به درون پادشاهی رخنه کرده است. خط قانون یکشنبه در باب سوم دانیال مشخص می‌سازد که قوم خدا درست در همان زمان به عنوان علمی برای تمامی جهان برافراشته می‌شوند. باب ششم بر داورى ای تمرکز دارد که در همان تاریخ دقیقاً بر انبیای کاذب اجرا می‌شود.

در هنگام قانون یکشنبه در ایالات متحده، شاخ مرتد پروتستان از دو طبقه تشکیل می‌شود: یکی آن که یکشنبه را روز عبادت نگاه می‌دارد، و دیگری آن که به باطل ادعا می‌کند که سبت را روز عبادت نگاه می‌دارد. نظایر آن‌ها در درون شاخ جمهوری‌خواه، احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه‌اند. هر یک از آن دو شاخ مرتد، در زمان مسیح به وسیله صدوقیان و فریسیان نمادین گردیدند. آن دو رئیس‌جمهور مرتد و یکصد و بیست کاهن در فریب داریوش نیز نمایانگر دو دسته شاخ مرتد پروتستان‌تیزم هستند. هرچند آنان در زمانی که آن واقعه رخ داد در واقع شخصیت‌های سیاسی بودند، بافت نبوی مشخص می‌سازد که این قدرت دینی مرتد است که دولت را می‌فریبد.

داستان، چنان‌که بر کوه کرمل به تصویر کشیده شده است، دو طبقه از انبیای کاذب را معرفی می‌کند: انبیای بعل و انبیای بیشه (عشتاروت). این دو با هم اتحاد کلیسا و دولت را به صورت نمونه‌وار مجسم می‌سازند، زیرا بعل ایزدی مذکر است و عشتاروت ایزدی مؤنث. ایلیا سرانجام انبیای کاذب کوه کرمل را به قتل رسانید، همان‌گونه که هم‌پیمانان باب ششم دانیال به درون چاه شیران افکنده شدند.

و ایلیاه نے اُن سے کہا، بعل کے نبیوں کو پکڑ لو؛ اُن میں سے ایک بھی نہ بچنے پائے۔ سو اُنہوں نے اُن کو پکڑ لیا؛ اور ایلیاہ اُن کو نیچے قیشون کے نالے تک لے گیا، اور وہاں اُن کو قتل کر ڈالا۔ 1 سلاطین 18:40.

در همان روایت کوه کرمل، که با یحیی تعمیددهنده بازنمایی شده است، قدرت فریبنده «دختر» است. هر دو روایت، فریبندگان را در حال رقص معرفی می‌کنند؛ خواه گرد قربانی خود بر کوه کرمل، و خواه در جشن تولد مستانه هیروودیس، جایی که سالومه رقص فریب خود را به‌جا آورد. این دو خط، در کنار یکدیگر، اتحاد کلیسا و دولت را که در قانون یکشنبه به‌طور کامل شکل می‌گیرد، مشخص می‌سازند، و نیز اینکه کلیساهای مرتد ایالات متحده، دختران هیروودیس‌اند، که همان ایزابل است، و هر دو نماینده کاتولیسیسم هستند. تولد هیروودیس پایان ششمین پادشاهی حیوان زمین را مشخص می‌کند، اما هم‌زمان، روز تولد هفتمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس (سازمان ملل متحد) را نیز رقم می‌زند.

در همان وعده‌ای که به سالومه داده می‌شود، هیروдіس موافقت می‌کند که نیمی از مملکت خود را به سالومه بدهد، و بدین‌سان نشان می‌دهد که مملکت هفتم، ترکیبی از یک‌نیم کلیسا و یک‌نیم دولت را نمایندگی می‌کند. این مملکت از هنگامی آغاز می‌شود که سر یوحنا به هیرودیا تسلیم می‌گردد. از این رو، مملکت هفتم در مکاشفه باب هفده به‌گونه‌ای تصویر شده است که تنها اندک زمانی دوام می‌آورد. در هنگام قانون یک‌شنبه است که اتحاد سه‌گانه برقرار می‌شود، زیرا در آنجا ده پادشاه موافقت می‌کنند که مملکت کوتاه‌مدت خود را برای یک «ساعت» به وحش بسپارند. آن «یک ساعت»، همان «ساعت» بحران قانون یک‌شنبه است که در ایالات متحده آغاز می‌شود و هنگامی پایان می‌یابد که میکائیل برمی‌خیزد.

و آن ده شاخی که دیدی، ده پادشاه‌اند که هنوز پادشاهی نیافته‌اند؛ اما با آن وحش، برای یک ساعت، قدرت چون پادشاهان می‌یابند. اینان هم‌فکرند، و قدرت و اقتدار خود را به وحش می‌سپارند. اینان با بره جنگ خواهند کرد، و بره بر ایشان غالب خواهد آمد؛ زیرا او رب‌الارباب و ملک‌الملوک است؛ و آنان که با اویند، خوانده‌شدگان و برگزیدگان و امینان‌اند. مکاشفه 17:12-14

ده پادشاه، که به‌وسیله هیروдіس نمایانده شده‌اند، در زادروز پادشاهی هفتم موافقت می‌کنند که در خلال بحران قانون یک‌شنبه، که به‌صورت «یک ساعت» نشان داده شده است، نیمی از پادشاهی خود را به وحش بدهند. در آن «ساعت»، نوشته بر دیوار بلشصر نگاشته می‌شود. در آن «ساعت»، شدرک، میشک و عبدنغو به درون کوره افکنده می‌شوند و همان‌گونه که دو شاهد مکاشفه فصل یازدهم، در ابری به بالا برده می‌شوند. اتحاد سه‌گانه به‌وسیله فریبی که از جانب وحش زمین به‌کار برده می‌شود پدید می‌آید؛ همان که در برابر دیدگان مردمان، آتشی از آسمان فرو می‌آورد.

اور میں نے ایک اور حیوان کو زمین میں سے اوپر آتے دیکھا؛ اور اُس کے دو سینگ برّہ کے مانند تھے، اور وہ اژدہا کی مانند بولتا تھا۔ اور وہ پہلے حیوان کا سارا اختیار اُس کے سامنے عمل میں لاتا ہے، اور زمین اور اُس کے باشندوں کو اُس پہلے حیوان کی پرستش کرنے پر مجبور کرتا ہے، جس کا جان لیوا زخم شفا پا گیا تھا۔ اور وہ بڑے بڑے عجائب دکھاتا ہے، یہاں تک کہ آدمیوں کے سامنے زمین پر آسمان سے آگ اُتار لاتا ہے، اور اُن معجزوں کے ذریعہ سے، جنہیں حیوان کے سامنے دکھانے کا اسے اختیار دیا گیا تھا، زمین کے باشندوں کو فریب دیتا ہے؛ اور زمین کے باشندوں سے کہتا ہے کہ وہ اُس حیوان کے لیے ایک مورت بنائیں، جو تلوار کا زخم کھا چکا تھا اور پھر بھی زندہ رہا۔ مکاشفہ 13:11-14۔

دنیا فریب می‌خورد، نه چندان به‌واسطه معجزات، بلکه به‌واسطه «وسایل آن معجزات» که او قدرت داشت آنها را به‌جا آورد. تعبیر «وسایل آن معجزات» عبارتی افزوده است، اما تأکید درست را بر معجزات می‌نهد؛ تأکیدی که باید با دقت مورد توجه قرار گیرد. شناختن شیوه‌ای که آن پیام کاذب (آتش از آسمان) به‌وسیله آن جهان را فریب می‌دهد، اهمیت دارد؛ زیرا اکنون ما دقیقاً در همان برهه‌ای از تاریخ هستیم که جمعیت‌های سیاره زمین از طریق یک «ابرشاهراه اطلاعاتی» که در کنترل و دست‌کاری بازرگانان جهانی‌گرای زمین است، مسحور می‌شوند. این موضوع را به مقالات بعدی وامی‌گذاریم، اما در حال حاضر تنها متذکر می‌شویم که فریب رؤسا و شاهزادگانی که بر داریوش اعمال شد، موضوعی نبوی خاص است که چندین عنصر به‌هم‌پیوسته را در بر دارد و باید شناخته شود.

اتحاد سه‌گانه به‌واسطه فریب رقص شهوانی سالومه در برابر حاکمان در جشن زادروز هیروдіس به هم پیوست. آن فریبی که بر پیلطس تحمیل شد، ماهیتی دوگانه داشت: یکی این اتهام که مسیح موجب برانگیختن و ترویج فتنه علیه قدرت دولت می‌شود، و دیگر آن که او علیه قدرت دینی کفر می‌گوید. در آن تاریخ، سه خصم گرد هم آمدند: قدرت روم (دولت)، باراباس، مسیحی کاذب (نبی کاذب)، و کلیسای یهودی مرتد (وحش). کلیسای مرتد، با دروغ دوگانه فتنه و کفرگویی، اقتدار روم (دولت) را فریب داد.

چون سرانجام داریوش از انگیزه فریب دهندگان آگاه می شود، ناگزیر می گردد دانیال را به چاه شیران افکند. دانیال با اطاعت از شریعت خدا، قانون دولت را نقض کرد. دروغی که به داریوش عرضه شد، با برانگیختن غرور داریوش به انجام رسید، و بدین سان او را از تشخیص انگیزه فریب دهندگان بازداشت. دروغ و فریب در حکایت دانیال و چاه شیران، اطاعت از خدا را به منزله کفرگویی و فتنه انگیزی معرفی می کند؛ همان فریب دوگانه ای که در صلیب نیز وجود داشت، و نشان راه صلیب با نشان راه قانون یکشنبه همسو است.

مجازات مذهبی فریب دین والی قوت بائبل کی نبوت کا ایک موضوع ہے، اور یہ حقیقت بھی کہ مذهبی قوت ریاستی قوت کو فریب دیتی ہے۔

«مردم درمی یابند که فریب خورده اند. آنان یکدیگر را متهم می کنند که ایشان را به هلاکت کشانده اند؛ اما همگی در فرو ریختن تلخ ترین محکومیت خویش بر خادمان دین متحد می شوند. شبانان بی وفا سخنان دلپذیر کاذب نبوت کرده اند؛ آنان شنوندگان خود را به این سوق داده اند که شریعت خدا را باطل سازند و کسانی را که می خواستند آن را مقدس نگاه دارند، آزار رسانند. اکنون این معلمان، در نومیدی خود، کار فریبکارانه خویش را در برابر جهانیان اعتراف می کنند. انبوه مردم از خشم لبریز می شوند. فریاد برمی آورند: «ما هلاک شده ایم!» و شما سبب تباهی ما هستید؛ و بر ضد آن شبانان دروغین برمی خیزند. همان کسانی که زمانی بیش از همه ایشان را می ستودند، هولناک ترین نفرین ها را بر آنان جاری خواهند ساخت. همان دست هایی که زمانی تاج های افتخار بر سر ایشان نهاده بود، اکنون برای نابودی شان برافراشته خواهد شد. شمشیرهایی که قرار بود قوم خدا را از پا درآورند، اکنون برای نابودی دشمنان آنان به کار گرفته می شوند. همه جا نزاع و خون ریزی است.» جدال عظیم، ۶۵۵.

رهبران مذهبی پس از بسته شدن زمان آزمایش مورد هجوم قرار می گیرند، زیرا رمه های ایشان درمی یابند که به وسیله دروغی که رهبران مذهبی اشاعه داده بودند، فریب خورده اند. رؤسا و شاهزادگان، همراه با خانواده های خود، همگی همان داورِ مکافات آمیز را به سبب دروغی که اشاعه دادند، متحمل شدند. هنگامی که ایلینا انبیای دروغین را در کوه کرمل کشت، همان مکافات در «زلزله عظیم» مکاشفه باب یازده به تصویر کشیده شده است، آنگاه که «هفت هزار» سرنگون می شوند.

او در همان ساعت زلزله عظیمی واقع شد، و یک دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار تن از مردم کشته شدند؛ و باقی ماندگان هراسان شدند و جلال را به خدای آسمان دادند. مکاشفه ۱۱:۱۳

در تحقق زلزله عظیم انقلاب فرانسه، آن هفت هزار نفری که کشته شدند، نمودار سلطنت فرانسه بودند. در «ساعت» آن زلزله عظیم، یعنی قانون یکشنبه، آن هفت هزار نفری که کشته می شوند نمایانگر ادونتیس های روز هفتم اند که در برابر روم سر فرود می آورند، زیرا تنها کسانی که مسئولیت سبت روز هفتم را درک می کنند، هنگامی که قانون یکشنبه فرا رسد، نشان وحش را دریافت می کنند.

«تبدیل سبت، نشان یا علامت اقتدار کلیسای روم است. آنان که با درک مطالبات حکم چهارم، برمیگزینند که به جای سبت حقیقی، سبت کاذب را نگاه دارند، بدین وسیله به همان قدرتی ادای حرمت می کنند که تنها به فرمان آن، چنین کاری مقرر شده است. نشان وحش، همان سبت پاپی است که جهان آن را به جای روزی که خدا معین کرده بود، پذیرفته است.

«समय का परीक्षा है। आया नहीं अभी समय का करने ग्रहण छाप की पशु नरिदषिट मे भवषियवाणी कनिन्तु है। नही अपवाद इससे भी समुदाय कैथोलिकि रोमन, है मसीही सच्चे मे कलीसया प्रत्येक है। आया नहीं अभी के आज्ञा चौथी वह और जाए मलि न ज्योत उसे तक जब जाता ठहराया नहीं दोषी तक तब भी को किसी और, जाएगा कया जारी आदेश वाला करने लागू को सब्त जाली जब परन्तु ले। देख न को दायतिव बंधनकारी

चेतावनी वरिद्ध के उपासना की प्रतमा उसकी और पशु को मनुष्यों पुकार ऊँचा का स्वर्गदूत तीसरे जब बने में अपराध भी अब लोग जो तब जाएगी। खचि से रूप स्पष्ट रेखा की बीच के सच्चे और झूठे तब, देगा करेगे। ग्रहण छाप की पशु में हाथों अपने या पर माथों अपने वे, रहेगे

»با گام‌هایی شتابان به این دوره نزدیک می‌شویم. هنگامی که کلیساهای پروتستان با قدرت سکولار متحد شوند تا دینی کاذب را پشتیبانی کنند، دینی که نیاکان ایشان به سبب مخالفت با آن سخت‌ترین آزارها را متحمل شدند، آنگاه سبب پاپی به وسیله اقتدار مشترک کلیسا و دولت تحمیل خواهد شد. ارتدادی ملی پدید خواهد آمد که فرجام آن جز ویرانی ملی نخواهد بود.» Bible Training School، 2 فوریه 1913.

آن «هفت هزار» نفری که در «ساعت» زلزله عظیم، یعنی قانون یکشنبه، سرنگون می‌شوند، همچنین با آن «هفت هزار» نفری که در زمان ایلیا از تعظیم کردن در برابر ایزابل سر باز زدند، به موازات نهاده شده‌اند.

اما برای خود هفت هزار نفر را در اسرائیل باقی گذاشته‌ام، یعنی همه زانوهایی را که نزد بعل خم نشده‌اند، و هر دهانی را که او را نبوسیده است. اول پادشاهان ۱۹:۱۸

نخستین اشاره به هفت هزار، گروهی امین را مشخص می‌سازد که از تعظیم کردن در برابر ایزابل سر باز زدند، و آخرین اشاره، باقی‌مانده‌ای را نمایندگی می‌کند که در برابر ایزابل تعظیم می‌کنند. هنگامی که پاپیت در قانون یکشنبه، سرزمین جلال را فتح می‌کند (وحش زمین مکاشفه سیزده)، یک طبقه «سرنگون می‌شود» و طبقه‌ای دیگر از دست سلطه بابل می‌گریزد، زیرا در آن هنگام پیام خروج از بابل آغاز می‌شود.

او همچنین به سرزمین جلال داخل خواهد شد، و کشورهای بسیاری واژگون خواهند گردید؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی اودوم و موآب و برگزیدگان بنی‌عمون. دانیال 11:41.

لفظ «countries» لفظی افزوده است، زیرا در هنگام قانون یکشنبه بسیاری از کشورها «سرنگون» نمی‌شوند، بلکه بسیاری از افراد ادونتیسست روز هفتم سرنگون می‌شوند، زیرا در آن هنگام فقط ایشان در برابر نور فرشته سوم مسئول شناخته می‌شوند. آنان همان «بسیاری» هستند، زیرا ایشان کسانی بودند که خوانده شده بودند تا در شمار آنان باشند که مهر خدا را دریافت کردند، اما آن دعوت را رد کردند.

و بدو گفت: ای دوست، چگونه بدین‌جا درآمدی، حال آنکه جامه عروسی بر تن نداری؟ و او لال ماند. آنگاه پادشاه به خادمان گفت: دست و پای او را ببندید و او را برده، به ظلمت بیرونی بیفکنید؛ در آنجا گریه و فغان و فشار دندان‌ها خواهد بود. زیرا بسیاری خوانده می‌شوند، اما برگزیدگان اندک‌اند. متی ۱۳:۱۲-۱۴.

فریب امراء اور صدران در باب ششم دانیال، شناسایی مجازات آن قدرت دینی است که قدرت دولتی را می‌فریبد.

اور بادشاه نے حکم دیا، اور وہ ان لوگوں کو لائے جنہوں نے دانی ایل پر الزام لگایا تھا، اور انہیں، ان کے بچوں اور ان کی بیویوں سمیت، شیروں کی ماند میں ڈال دیا؛ اور شیروں نے ان پر غلبہ پایا اور ان کے غار کی تہ تک پہنچنے سے پہلے ہی ان کی تمام ہڈیاں ٹکڑے ٹکڑے کر ڈالیں۔ دانی ایل 6:24.

ما در مقاله بعدی به ادامه کتاب دانیال خواهیم پرداخت.

اور میں مزید کیا کہوں؟ کیونکہ اگر میں جدعون، اور باراق، اور شمشون، اور افتاح، اور داؤد بھی، اور سموئیل، اور نبیوں کا ذکر کرنے لگوں تو وقت مجھے مہلت نہ دے گا؛ جنہوں نے ایمان کے وسیلہ

سے سلطنتوں کو مغلوب کیا، راست بازی کے کام انجام دیے، وعدوں کو حاصل کیا، اور شیروں کے منہ بند کیے۔ عبرانیوں 11:32، 33۔